



۲۰۱۶/۰۴/۲۱

احسان الله مایار

جنبش مشروطیت در افغانستان اثر شادروان پوهاند عبدالحی حبیبی قسمت هفتم

۵- غلام بچگان دربار

قراریکه در تاریخ بیهقی می خوانیم : غلامان سرایی دسته یی از نیمه لشکریان در باری در خدمت و حراست شخص سلطان و حرم شاهی بودند که تشکیلات معینی داشته و لباس های فاخر می پوشیدند که بر دیوار بقایای قصر لشکری بازار کنار هلمند عصر غزنوی اشکال این دسته بعضاً باقی مانده است.

در عصر های بعد تا عهد احمد شاهی دسته های غلامان به نام های غلامان شاهی یا غلامان خانه زاد و غلام خانه ^۱ و غیره در دربار های خراسان و فارس بوده اند، که الفتنستون عدد ایشان را در عهد سدوزایی تا سیزده هزار تحت قیادت قوللر آقسیان خاص می داند.^۲

ترکیب «غلام بچه» ساخته و پرداخته دری زبانان افغانستان است و من (حبیبی) استعمال آنرا در متون قدیم ندیده ام. کلمه غلام هم در اینجا معنی برده ندارد، بلکه غلامی است که در عربی به معنی جوانک و نو جوانی که بروت وی نو رسیده باشد مستعمل بود و در قرآن شریف هم بدین معنی آمده است. غالباً از عصر احمد شاهی به بعد این کلمه به دربار رواج داشته و بر کسانی اطلاق می شده که در دربار شاهان و وظایف انتظام امور و پیش خدمتی را اجراء می کرده اند.

امیر عبدالرحمن خان، فرزندان خوانین و سران قبایل و متنفذین مملکت را به دربار خود در جمله غلام بچه گان داخل می ساخت، برای اینکه فرزندان ملوک طوایف در دربار به حیث یرغمل باشند تا پدران و وابستگان شان سر از اطاعت مرکز نه پیچند. دوم اینکه این خان زادگان در دربار پرورده شوند، تا به آداب ملوک بفهمند و به زندگانی نوین آشنا و صاحب سواد گردند و در آینده به درد مملکت بخورند.

چون این جوانان – غالباً خوشروی هم می بوده اند – در دربار با ناز و تنعم حفاظت می شدند، بنابر این پدران ایشان از قبول این وضع سرپیچی نداشته اند و هم خود این جوانان بعد از اعتیاد با تعیش درباری مایل نبودند، از دربار جدایی جویند.

^۱ محمود المنشی : تاریخ احمد شاهی ۱- ۱۹۷- ۲۰۰

^۲ سلطنت کابل ۲- ۲۳۴ ترجمه پشتو، طبع کابل ۱۳۶۱ش

غلام بچه گان در داخل ارگ شاهی وظایف امنیت دربار و ترتیب لباس و طعام و قیام شاه و شاهزادگان و حرم شاهی را دشته اند و بنابر این با اهل اقتدار از اهل دربار و حرم و شهزادگان و ارکان دولت آشنا بوده و عناصر کاردان و هوشیار و ناظم بار می آمدند و از همین عناصر بود که گاهی به درجه شاعسی گری دربار (سرکردگی امور دربار و حرم شاهی) هم می رسیدند، مثل نیک محمد خان گردیزی شاعسی حرم شاهی امیر حبیب الله خان.

از آغاز جنبش مشروطیت اول نظر پیشوایان این جمعیت را جوانان درباری غلام بچه گان به خود جلب کرده بودند، زیرا این گروه عناصر دراک و فهیم و دارای شعور سیاسی شده بودند. در گیر و دار صفر ۱۳۲۷ ق چندین تن از این جوانان منور، ناکام کشته شدند و در هنگام مشروطیت دوم نیز در بر گردانی اوضاع و کشتن امیر حبیب الله و جلوس شهزاده منوری مانند امان الله خان و بازایی استقلال دست قوی داشتند و محمد ولی خان سرجماعه همین دسته بود، که بمجرد اعلان استقلال افغانستان از طرف محصل استقلال امان الله خان غازی به حیث سفیر سیار فوق العاده افغانستان به اروپا و امریکا فرستاده شد (۳۱ حمل ۱۲۹۸ ش) و بعد از آن در سنه ۱۳۰۱ ش وزیر خارجه و در سنه ۱۳۰۲ ش وزیر حربیه و در سنه ۱۳۰۶ ش حین سفر امان الله غازی به اروپا، وکیل مقام سلطنت و عنصر فعال وطن پرست انتی انگلش بود، که در سنه ۱۳۰۸ ش به امر نادرشاه محاکمه و اعدام شد.

از این دسته غلام بچه گان رجال ملکی و نظامی مشهوری بر آمده اند که در وقایع دوره امانی سهم بزرگی داشتند و شهزاده امان الله خان و علیا حضرت سراج الخواتین ملکه مادرش در عصر امیر حبیب الله خان، اکثر این غلام بچه گان سیاست مدار را در حلقه طرفداری و ارادت مندان خود در آورده بودند که در حوادث قتل این امیر و جلوس امان الله خان غازی دستی داشته اند و از جمله این جوانان فداکارند که در مشروطیت اول مقتول یا محبوس شدند.

بنا کردند خوش رسم به خاک و خون غلطیدن
خدا رحمت کند آن عاشقان پاک طینت را

۱- جوهر شاه غوربندی:

از جوانان رشید وطن دوست و اصلاً غوربندی بود، که در همان روز اول در جلال آباد در داخل دربار به امر امیر به ضرب تفنگچه اعدام گردید. گویند که در دقایق آخرین زندگانی، چون امیر او را نمک به حرام گفت، وی جواب داد: «ما نمک این مردم غریب افغانستان را خورده ایم، و برای این مردم تا دم اخیر وفادار بوده ایم و در این وفاداری جان فدا می سازیم.»

دبیلوم انجنیر محمد اکرم پرونتا محصل افغانی در آلمان و بعد از آن وزیر فواید عامه ۱۳۲۹ ش گفت: که در ایام تحصیل در برلین (حدود ۱۳۱۰ ش) به دیدار شجاع الدوله خان غوربندی (به مشروطیت دوم درین رساله رجوع شود) مقیم برلین رفتم. بر میز اطاقش عکس جوانی دیده می شد، من پرسیدم که این کیست؟ شجاع الدوله گفت: عکس کاکایت جوهر شاه شهید است.

مردیکه در اولین نهضت مشروطه خواهی قربان گردید. ولی من با این انگشت (اشاره به انگشت شهادت دست راست) انتقام خون او را از امیر گرفتم.

مشهور است که قاتل امیر حبیب الله در کله گوش لغمان، همین شجاع الدوله از غلام بچه گان فعال دربار بود، که به مجرد کشتن امیر، اطلاع احوال جلال آباد و دعوی امارت سردار نصرالله خان معین السلطنه را در کابل به شهزاده امان الله خان رسانید و در امر جلوس امانی فعالیت ها کرد و بعد از جلوس امان الله غازی به تخت کابل، در کابینه اول ۱۲۹۸ش وزیر امنیه و بعد از آن در سنه ۱۳۰۰ش رئیس هیأت تنظیمیه هرات و پس از آن وزیر مختار افغانستان در لندن بود. (حوت ۱۳۰۳ش) که بعد از سقوط دولت امانی ۱۳۰۸ش در برلین اقامت داشت و در همانجا مُرد.

۲- لعل محمد خان:

پسر جان محمد خان کابلی خزانه دار سابق که در جمله غلام بچه گان خاص بود و در جلال آباد با سه تن مشروطه خواه دیگر به دست درباریان، اعدام گردید.^۳

۳- محمد عثمان خان پروانی:

پسر محمد سرور خان پروانی که جزو غلام بچه گان خاص دربار و یکی از اعضای فعال مشروطیت اول بود، و در جلال آباد به توپ بسته شد.^۴ پدرش سرور خان از ارکان دربار امیر شیر علی خان و امیر عبدالرحمن خان بود.^۵ وی با محمد ایوب خان قندهاری حین فرار به مقصد هند و نشر سرگذشت مشروطه خواهان در جراید خارجی، در سرحد دستگیر و به نزد امیر پیش شد. امیر عتاب کرد و عثمان جواب داد:

«زحمت مرگ ما چند دقیقه بیش نیست، ولی زحمت محاسبه شما ابدیست، ما نمی خواستیم شمارا بکشیم بلکه می خواستیم افغانستان را اصلاح کنیم.»^۶

۴- محمد ایوب خان قندهاری:

پسر تاج محمد خان پوپلزایی ساکن کوچه یحیی خان بازار کابل در قندهار است که این شخص با سردار ایوب خان به هند فرار گردیده و بعد از آن واپس به وطن رجعت کرد. پسرش محمد ایوب مدتی سرحد دار چخانسور و بعد از آن غلام بچه حضور بود، تا که بعد از کشف قضیه مشروطیت، بمعیت محمد عثمان از جلال آباد به سرحد هند روی نهاد و در راه دستگیر و هر دو در جلال آباد به توپ بسته شدند.^۷ یک برادر محمد ایوب که محمد عیسی نام داشت و حاکم گرزویان (میمنه) بود، در همین قضیه مشروطیت اول دست داشت و محبوس گشت و در زندان وفات یافت.

۵- پاجا میر خان:

^۳ میر محمد قاسم خان و میر غلام محمد غبار

^۴ میر محمد قاسم خان و غبار

^۵ همین مأخذ

^۶ همین مأخذ

^۷ همین مأخذ

از خان زادگان قوم وزیرى لوگر و غلام بچه حضور بود، که از آن وقت با شهزاده امان الله خان روابط نزدیکی داشت و در حرکت مشروطیت اول تا آغاز دوره امانی ۱۲۹۸ش در ارگ محبوس ماند. چون رها گردید به دربار امانی مقرب گشت و مدتها حاکم لوگر بود و سمت سرپرستی خدمه دربار و اطلاع رسانی دولت را داشت.^۸

۶، ۷، ۸ - سه نفر:

از جمله این دسته جوانان بیدار محمد ولی خان سر جماعه و میر زمان الدین خان بدخشانی و شجاع الدوله غوربندی هم بوده اند، که محبوس نشدند، ولی سهم ایشان در مشروطیت دوم مهم است و در آینده معرفی می شوند.

ادامه دارد



^۸ همین مأخذ